

Knowledge Translation: A Mechanism for Dialogue Between the University and Society

Mohammad Hassanzadeh 

Professor, Department of Knowledge and Information Science, Faculty of Management and Economics,
Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. hassanzadeh@modares.ac.ir

Abstract

Knowledge translation, also referred to as knowledge transfer or knowledge exchange, is an ongoing process aimed at simplifying the understanding of scientific concepts for both specialized and general audiences. The process of knowledge translation requires a comprehensive effort by the creators of scientific knowledge to create a common language with both current and future audiences. Despite the necessity of enhancing society's overall competencies to comprehend scientific knowledge, knowledge translation remains a crucial responsibility of the science and technology system. In addition to the efforts that the university system must plan and implement for science translation, the creation of professional mechanisms, such as knowledge brokerage, is becoming increasingly necessary. Knowledge translation is considered an investment to ensure the future of the science and technology system. In this article, we define knowledge translation, discuss its necessity, and outline proposed mechanisms for its promotion within the science and technology system. Additionally, we offer suggestions for improvement. This article can serve as a timely starting point for the institutionalization of scientific knowledge translation within the country's science and technology system.

Keywords: Knowledge Translation, Academic System, Science and Technology, Knowledge Brokerage, Professional Mechanism.

Cite this article: Hassanzadeh, M. (2025). Editor-in-Chief Lecture: Knowledge Translation: A Mechanism for Dialogue Between the University and Society. *Sciences and Techniques of Information Management*, 11(1): 7-16.
<https://doi.org/10.22091/stim.2025.3498>

© The Author(s).

Article type: Research Article

Published by: University of Qom.





ترجمان دانش:

سازوکاری برای هم‌کلامی بین دانشگاه و جامعه

محمد حسن‌زاده 

استاد، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

hasanzadeh@modares.ac.ir

چکیده

ترجمان دانش به عنوان فرایندی ادامه‌دار در مسیر ساده‌سازی فهم مفاهیم علمی از سوی مخاطبان خاص و عام تلقی می‌شود. فرایند ترجمان دانش نیازمند تلاشی دامنه‌دار از سوی ایجادکنندگان دانش علمی برای ایجاد هم‌زبانی با مخاطبان کنونی و آینده است. با وجود نیاز به ارتقای شایستگی‌های عمومی جامعه برای فهم دانش علمی، همچنان ترجمان دانش یک مسئولیت مهم برای نظام علم و فناوری در نظر گرفته می‌شود. در کنار تلاش‌هایی که نظام دانشگاهی باید برای ترجمان علم برنامه‌ریزی و اجرا کند، ایجاد سازوکارهای حرفه‌ای مانند کارگزاری دانش ضرورت بیشتری دارد. ترجمان دانش یک سرمایه‌گذاری برای تضمین آینده نظام علم و فناوری در نظر گرفته می‌شود. در این مقاله، ضمن تعریف ترجمان دانش، نیاز به ترجمان دانش و سازوکارهای پیشنهادی برای ارتقای آن در نظام علم و فناوری تبیین شده و پیشنهاداتی ارائه گردیده است. این مقاله می‌تواند به عنوان سرآغازی دیرپنگام برای نهادهای ساده‌سازی ترجمان دانش علمی در نظام علم و فناوری کشور باشد.

کلیدواژه‌ها: ترجمان دانش، نظام دانشگاهی، علم و فناوری، کارگزاری دانش، سازوکار حرفه‌ای.

استناد به این مقاله: حسن‌زاده، محمد (۱۴۰۴). سخن سردبیر: ترجمان دانش: سازوکاری برای هم‌کلامی بین دانشگاه و جامعه. *علوم و فنون*

مدیریت/اطلاعات، ۱۱(۱): ۷-۱۶. <https://doi.org/10.22091/stim.2025.3498>

ناشر: دانشگاه قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



مقدمه

در پی تمرکز و تاکید دولت‌ها و بخش خصوصی بر خلق دانش و انتشار آن، تا حدود زیادی انقلابی بزرگ در این عرصه پدید آمده است. از جمله نشانه‌های این انقلاب می‌توان به افزایش مقالات کتاب‌ها و سایر انواع مدارک علمی اشاره کرد. این مدارک به صورت روزافزون و در شکل‌های مختلف چاپی و اخیراً الکترونیکی در حال انتشار هستند. آمارها نشان می‌دهد به اندازه‌ای که دانش منتشر می‌شود، به همان اندازه در سطح جامعه و یا صنعت مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، یا حداقل آمار و اعداد و ارقام دقیقی از به‌کارگیری دانش در حل مسائل وجود ندارد. چنانچه نبود آمار و ارقام را به عنوان نشانه‌ای از ابهام در به‌کارگیری واقعی دانش در نظر بگیریم، می‌توانیم چنین استنباط بکنیم که هنوز بین ظرفیت به‌کارگیری دانش و فعلیت آن فاصله بسیاری وجود دارد. به همین دلیل ما می‌توانیم این سوال را پیش بکشیم که راهکار افزایش به‌کارگیری یافته‌های علمی برای حل مسائل و ارتقای کیفیت زندگی در جامعه چیست؟

این یک سوال کاملاً پیچیده و چندوجهی است. قبل از اینکه به پاسخ این سوال بپردازیم، لازم است بسترهای ایجاد این پیچیدگی را تبیین کنیم. حداقل سه عامل به پیچیده شدن ارتباط بین نظام علم و فناوری و جامعه کمک کرده است که عبارتند از: سطح اعتماد جامعه به نظام علم و فناوری؛ سطح تضمین کیفیت در نظام علم و فناوری؛ و نبود زبان مشترک بین نظام علم و فناوری و جامعه مخاطب.

مسئله اول به سطح اعتماد جامعه به نظام علم و فناوری مربوط می‌شود. جامعه اعم از صنعت و افراد، زمانی به استفاده از دستاوردهای علمی متمایل می‌شود و به صورت واقعی از آن استفاده می‌کند که به کیفیت آن اعتماد داشته باشد. نکته مهم در این زمینه آن است که کیفیت چیزی نیست که تولیدکننده آن را تعیین کند، بلکه کیفیت در سمت مصرف‌کننده تفسیر می‌شود. براساس این اصل بسیار ساده، افراد و کسب‌وکارها زمانی به سمت به‌کارگیری دانش خلق شده در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیق و توسعه حرکت می‌کنند و به صورت فعالانه خواستار آن می‌شوند که به شکلی واضح احساس کنند که پاسخ شفاف برای سوال خود دریافت خواهند کرد؛ مسئله خود را به واسطه دانش خلق شده حل خواهند کرد؛ و در کسب‌وکار و زندگی خود رونقی را تجربه خواهند نمود.

مسئله دوم به وجود و چگونگی کارکرد سازوکارهای تضمین کیفیت در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیق و توسعه مربوط است. مردم به صورت روزمره اخبار ضدّ و نقیضی از دستاوردهای دانشمندان در سرتاسر گیتی می‌شنوند و شاهد آن هستند که دوراهی‌های توأم با ابهام و سردرگمی ایجاد می‌شود. به عنوان نمونه، روزی یافته‌ای از یک پژوهش، مصرف یک ماده را توصیه می‌کند و روزی دیگر یافته‌ای

از یک پژوهش دیگر آن را منع می‌نماید. تایید و ابطال فرضیه‌های علمی در فضای دانشگاهی امری معمول و جا افتاده است، اما برای کسی که در فضای زندگی و کسب‌وکار این رد و ابطال‌ها را به مثابه ایجاد ابهام در فرایندهای کاری خود تجربه می‌کند، آزاردهنده است. نکته بسیار مهم این است که بخش قابل توجهی از این رد و ابطال‌ها نه به واسطه یک فرایند پژوهشی بی‌طرفانه، بلکه در نتیجه دستکاری‌های برآمده از رقابت‌های بازاری ایجاد می‌شود. در نبود سازوکار تضمین کیفیت در دانشگاه و مراکز تحقیق و توسعه، این رقابت‌ها در درازمدت به اعتبار نظام علم و فناوری آسیب می‌زند و راه را برای رویگردانی از جامعه از علم، و فعالیت‌شیدان علمی باز می‌کند.

اما مسئله سوم به نبود زبان مشترک بین خانواده دانشگاه و جامعه پیرامونی آن برمی‌گردد. به صورت یک سنت جا افتاده در مراکز دانشگاهی، انجام پژوهش به عنوان یک امر مستقل از کاربری در نظر گرفته می‌شود. این سنت در بیشتر فضاهای تحقیق و توسعه جاری و ساری است و البته سنت پسندیده‌ای است. اما روی دیگر سکه این اسنت ناهم‌بانی بین جامعه و بازیگران علم و فناوری است که در نتیجه آن، زبان دنیای علم با زبان دنیای کسب و کار و همچنین زندگی طبیعی شهروندان تفاوت‌های اساسی دارد. حتی با گذشت زمان، شیوه گفتار، نحوه پوشش، و رفتار دانشمندان از جامعه فاصله می‌گیرد. همین نکته بسیار ساده موجب ایجاد دوگانگی در فضای زیست علم و جامعه می‌گردد. البته در این میان شبه علم و بعضاً ضد علم در پوششی حقیقت‌نما خود را ظاهر می‌کند.

ارتباط بین این سه مسئله به این صورت است که در نبود سازوکار برای مسئله سوم یعنی «ایجاد هم‌زبانی بین بازیگران علم و جامعه»، حل دو مسئله پیشین یعنی «بازسازی اعتماد» و «تضمین کیفیت» نیز بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین، رفع فاصله بین بازیگران علم و متن جامعه کلید ورود به فضای ارتقای کاربری دانش علمی در عرصه عمل قلمداد می‌شود. در ادبیات علمی اصطلاح‌های مختلفی برای این سازوکار رایج وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به عمومی‌سازی، مردمی‌سازی، علم شهروندی، ترویج علم و نظایر آن اشاره کرد. همه این اصطلاحات در یک نقطه با یکدیگر اشتراک دارند و آن از میان برداشتن فاصله‌هاست؛ فاصله بین نظام علم و فناوری و جامعه.

تجربه زیسته نظام علم و فناوری و تعامل آن با جامعه و صنعت نشان می‌دهد که در قریب به اتفاق موقعیت‌ها، اهالی دانشگاه و اهالی کسب‌وکارها قادر به فهم مستقیم یکدیگر نیستند. بنابراین، لازم است یک سازوکار میانجی برای ارتباط‌دهی این دو به یکدیگر وجود داشته باشد. سازوکاری که بتواند زبان علم را به کسب‌وکار ترجمه بکند و نیازهای کسب‌وکار جامعه و دولت را به زبان دانشگاه دریاورد. این امر سازوکار ترجمان دانش نامیده می‌شود. در یک طرف ترجمان دانش، پدید آورنده دانش قرار گرفته و در طرف دیگر استفاده‌کننده و جامعه.

تعریف ترجمان دانش

ترجمان دانش فرایند تبدیل دانش علمی و تحقیقاتی به زبان‌ها و شکل‌هایی است که برای مخاطبان مختلف قابل فهم و کاربردی باشد. این فرایند شامل استخراج، تنظیم و انتقال اطلاعات علمی به گونه‌ای است که توسط تصمیم‌گیران، سیاست‌گذاران، کارآفرینان، پژوهشگران و عموم مردم به کار گرفته شود.

انواع ترجمان دانش

ترجمان دانش با توجه به مخاطبان و متولیان آن انواع مختلفی دارد:

۱. **ترجمان تخصصی:** این نوع از ترجمان دانش به انتقال مفاهیمی علمی در بین رشته‌ها و حوزه‌های مختلف کاربرد دارد. هدف اصلی این نوع ترجمان، انتقال نتایج پژوهش‌ها و مطالعات علمی به زبان قابل فهم برای پژوهشگران و متخصصان دیگر را دربرمی‌گیرد. ترجمان تخصصی به دانش میان رشته‌ای نیازمند است. مترجمان دانش تخصصی، افراد از داخل همان حوزه علم‌اند که با سایر حوزه‌ها نیز آشنایی دارند. به عنوان نمونه، علوم پایه می‌تواند کاربردهای فراوانی در سایر حوزه‌ها داشته باشد، اما به دلیل ناهم‌زمانی بین حوزه‌ها، این کاربردها محقق نمی‌شوند. در این مورد، افرادی از درون علوم پایه می‌توانند ترجمه دانش برای کاربرد سایر دانشمندان را برعهده بگیرند. برعکس این امر نیز صادق است. ترجمان تخصصی به رشد درونی علم کمک می‌کند.

۲. **ترجمان کاربردی:** این نوع از ترجمان دانش به تبدیل دانش علمی به ابزارها، تکنیک‌ها و راهکارهای عملیاتی مربوط می‌شود که در محیط‌های کاری، آموزشی و تحقیقاتی به کار گرفته می‌شوند. ترجمان کاربردی، علاوه بر فهم دانش تخصصی نیازمند آشنایی عمیق با دانش ابزارهاست. به همین دلیل، ترجمان کاربردی عموماً، به وسیله افرادی خارج از آن رشته تخصصی انجام می‌شود. مترجمان کاربردی دارای دانش عمیق در زمینه کاربردی‌سازی هستند. امروزه تبدیل دانش‌های مختلف به ابزارهای فناورانه به وسیله مهندسان رایانه و برنامه‌نویسی امری رایج است. ترجمان کاربردی دانش به توسعه کاربست دانش علمی در محیط‌های اجرایی کمک می‌کند.

۳. **ترجمان عمومی:** این نوع از ترجمان، انتقال دانش علمی به زبان ساده و قابل فهم برای عموم مردم را دربرمی‌گیرد. ترجمان عمومی با هدف افزایش آگاهی و دانش عمومی در بین عموم مردم صورت می‌گیرد. انتشار یافته‌های علمی به زبان عامه‌فهم در مجلات عمومی علم، روزنامه‌ها، رویدادهای ترویجی، نمایشنامه‌ها و غیره ازجمله مهم‌ترین راهکارهای ترجمان عمومی قلمداد می‌شوند. ترجمان عمومی دانش یک تخصص است که در رشته‌هایی مانند روزنامه‌نگاری علم مورد

توجه قرار می‌گیرد. ساخت فیلم‌های علمی-تخیلی، پویانمایی‌های ویژه کودکان و نوجوانان و مانند آنها در این گروه از ترجمان قرار می‌گیرند. البته، نیاز به تخصص ویژه برای انجام این کار، مسئولیت فردی دانشمندان را در ترویج و همگانی‌سازی علم کم نمی‌کند.

اهمیت ترجمان دانش

ترجمان دانش از جنبه‌های مختلفی دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و لازم است که به عنوان بخش مهمی از فعالیت‌های اصلی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیق و توسعه قرار گیرد. دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی به اندازه‌ای که در خلق دانش علمی سرمایه‌گذاری می‌کنند، بر ترویج و ترجمان آن تاکید ندارند. همین امر موجبات ایجاد فاصله بین نظام دانش علمی و جامعه را فراهم می‌آورد. برخی از جنبه‌های اهمیت ترجمان دانش به شرح ذیل است:

۱. **افزایش بهره‌وری:** ترجمان دانش موجب می‌شود که اطلاعات علمی به شکل‌های کاربردی تبدیل شده و به‌طور موثرتری در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌ها به‌کار گرفته شوند. همین امر موجب دانش‌باوری و دانش‌یاوری جامعه پیرامونی می‌شود. باور داشتن به دانش علمی و ایجادکنندگان آن در نهایت به پشتیبانی و مشارکت مردم در توسعه و بالندگی مراکز علمی منجر خواهد شد.

۲. **ارتقاء دانش عمومی علمی:** ترجمان دانش به افزایش آگاهی عمومی از علوم و فناوری کمک می‌کند و جامعه را برای مواجهه با چالش‌های مختلف آماده می‌سازد. دانش علمی در خلاء رشد نمی‌کند. همه کسانی که امروزه در عرصه علم و فناوری فعال‌اند، روزی به عنوان فرزند در دامان خانواده‌ها پرورش یافته‌اند و اکنون نیز به عنوان بخشی از یک جامعه زندگی می‌کنند. سرمایه‌گذاری شهروندان در توسعه علم از طریق توجه به دانش‌اندوزی نسل‌های بعدی محقق می‌شود. دانش عمومی علمی و باور به دانش علمی در نهایت به مشارکت هرچه بیشتر عموم در علم خواهد انجامید.

۳. **کاهش شکاف علمی:** ترجمان دانش با نزدیک‌سازی دانشمندان و عموم مردم به یکدیگر، فاصله علمی بین این دو گروه را کاهش می‌دهد و تعاملات سازنده‌تری را ایجاد می‌کند. ترجمان دانش به عمیق‌تر شدن اثر علم، عالم، دانشگاه و پژوهش در جامعه کمک می‌کند. توسعه شعاع اثر پژوهش‌های علمی یکی از اهداف مهم سرمایه‌گذاری در این زمینه به حساب می‌آید.

۴. **تسهیل کسب‌وکارها و بهبود حکمرانی:** سیاست‌گذاران و مدیران با دسترسی به دانش ترجمه‌شده مرتبط با فعالیت حرفه‌ای خود می‌توانند تصمیم‌های بهتری اتخاذ کنند. فراگیر شدن دانش علمی در سازوکارهای تصمیم‌گیری، اجرایی و حکمرانی در نهایت به ارتقای اثربخشی آنها کمک خواهد کرد. جامعه با دانش علمی عمیق‌تر، جامعه‌ای با روحیه نوآوری و تفکر انتقادی بالاتر خواهد بود.

به‌روش‌های ترجمان دانش در جهان

۱. کارگاه‌ها و سمینارها: برگزاری جلسات آموزشی و کارگاه‌های عملی برای انتقال دانش به کارآفرینان، مدیران و متخصصان.
۲. انتشار مقالات و کتاب‌ها: انتشار مقالات علمی و کتاب‌های آموزشی که نتایج پژوهش‌ها را به زبان ساده بیان می‌کنند.
۳. استفاده از رسانه‌ها: بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و وبسایت‌ها برای انتشار دانش به مخاطبان گسترده‌تر.

سازوکارهای ترجمان دانش

- برای ترجمان دانش سازوکارهای مختلف می‌توان در نظر گرفت که مهم‌ترین آنها عبارتند از:
۱. تقویت شبکه‌های علمی و پژوهشی: ایجاد و تقویت شبکه‌های ارتباطی بین دانشمندان و متخصصان مختلف برای تبادل دانش و ارزشگذاری فعالیت‌های مرتبط با این شبکه در مجامع حرفه‌ای می‌تواند اثر مثبتی بر ترجمان دانش بگذارد.
 ۲. توسعه کارگزاری دانش: کارگزاران دانش کسانی هستند که به صورت تخصصی به این کار مشغول می‌شوند و ترجمان دانش را به‌مثابه یک کسب‌وکار نگاه می‌کنند. آنها می‌توانند هم زبان بین دانشگاه و جامعه را ارتقاء بخشند و از این رهگذر، به کسب درآمد برای طرفین و همچنین کسب‌وکار خود پردازند. در نبود کارگزاری دانش، ضریب موفقیت ترجمان و انتقال دانش ارتقاء نخواهد یافت.
 ۳. راه‌اندازی سگوه‌های برخط (آنلاین): استفاده از سگوه‌های برخط برای اشتراک‌گذاری دانش علمی به صورت گسترده و دسترسی آسان به آن می‌تواند ابزاری مهم در این زمینه باشد.
 ۴. توسعه همکاری بین‌المللی: تعامل و همکاری بین‌المللی برای تبادل دانش و تجربیات بین کشورها و دانشگاه‌ها بسیار اهمیت دارد. دستیابی به به‌روش‌های موجود در سطح جهانی از طریق همکاری‌های بین‌المللی حاصل می‌شود.
 ۵. توسعه شایستگی‌های حرفه‌ای مرتبط با ترجمان دانش در نظام دانشگاهی: به همان اندازه که دانشمندان درگیر فعالیت‌های تخصصی در زمینه خلق دانش علمی نوین هستند، به ترویج و همگانی‌سازی آن نمی‌پردازند. در کنار دلایل مختلف، یکی از دلایل تاثیرگذار در این زمینه نبود تخصص و شایستگی مورد نیاز ترجمان دانش است. توسعه این شایستگی‌ها به عنوان بخشی از شایستگی‌های کانونی نظام دانشگاهی، کمک شایانی به نهادینه شدن ترجمان دانش در جامعه خواهد کرد. در ارزیابی دانشمندان و پژوهشگران لازم است امتیازی مناسب برای ترجمان دانش و ارتقای اثر

دانشگاهی در نظر گرفته شود.

اقتصاد ترجمان دانش

ترجمان دانش هرچند بیشتر به عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی دانشگاه‌ها و دانشمندان نگریسته می‌شود، اما واقعیت این است که ترجمان دانش به عنوان یک بخش مهم از فرایند خلق و کاربست دانش علمی، از جنبه‌های مختلف فعالیتی با قابلیت بالایی بازگشت سرمایه است. هر آنچه در ترجمان دانش سرمایه‌گذاری شود، به شیوه‌ها و شکل‌های مختلف بازمی‌گردد. بخشی از این جنبه‌ها عبارتند از:

۱. **افزایش سرمایه‌گذاری در پژوهش:** در نتیجه ترجمان دانش و توسعه ارتباط بین دانشگاه و جامعه، در کنار ارتقای منزلت دانشمندان، پشتیبانی مالی از پژوهش‌های علمی به عنوان یکی از ارکان توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد.

۲. **توسعه تجاری‌سازی دانش:** ترجمان دانش از طریق ایجاد ارتباط بین ایجادکننده و نیازمندان دانش علمی، تبدیل دانش علمی به محصولات و خدمات تجاری را تسریع می‌کند. تجاری‌سازی دستاوردهای حاصل از فعالیت‌های مرتبط با خلق دانش علمی می‌تواند محصولات و خدمات مختلفی را ایجاد کند. این امر به ویژه در زمینه فناوری‌ها و خدمات نوظهور اهمیت بسیار بیشتری می‌یابد.

۳. **افزایش بهره‌وری سازمانی نظام علم و فناوری:** دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در نگاه اول سازمان‌هایی با بهره‌وری نه چندان مناسب در نظر گرفته می‌شوند. با ترجمان دانش و افزایش به‌کارگیری دانش ترجمه شده در سازمان‌ها و کسب‌وکارها، بهره‌وری نظام علم و فناوری به صورت معنی‌داری افزایش می‌یابد.

پیشنهادهایی برای اقدام

۱. در کنار بودجه و هزینه‌کردهایی که برای خلق دانش علمی (در قالب پژوهانه، بودجه پژوهشی، تجهیز آزمایشگاه‌ها و غیره) اختصاص داده می‌شود، بودجه مشخصی برای ترجمان دانش در نظر گرفته شود.

۲. از متخصصان ترجمان دانش برای ایجاد سازوکارهای حرفه‌ای در سازمان بهره گرفته شود. ارزیابی سازواری سازمانی دانشگاه‌ها برای ترجمان دانش و ارتقای اثر و ارائه راهکارهای اجرایی، ازجمله مهم‌ترین مشارک‌های متخصصان حرفه‌ای ترجمان دانش به‌شمار می‌رود.

۳. اثر دانشگاه بر محیط پیرامونی در صدر برنامه‌های راهبردی دانشگاه‌ها قرار گیرد. هرگونه

فعالیت در عرصه خلق دانش علمی باید همراه با اثر سازنده در محیط پیرامونی باشد. در نبود اثر سازنده، ارتباط منطقی بین دانشگاه و جامعه برقرار نخواهد شد.

۴. جایزه‌ها و سازوکارهای انگیزشی مناسب برای ترجمان دانش در نظر گرفته شده و شیوه‌نامه‌های وزارتی و دانشگاهی برای ترجمان دانش تصویب و به اجرا گذاشته شود.

۵. ترجمان دانش با سازوکارهای موجود مانند پارک‌های علم و فناوری، شرکت‌های دانش‌بنیان، رسانه‌های رسمی و غیررسمی غنی‌سازی شود.

۶. هرگونه تلاش از سوی پژوهشگران در زمینه ترجمان دانش، ترویج علم، و عمومی‌سازی محتوای دانشگاهی در قالب‌های مختلف از جمله شبکه‌های اجتماعی شناسایی و تقدیر شود.

نتیجه‌گیری

امروزه دانش علمی با شتاب فراوانی در حال افزایش است. گونه‌های مختلفی از محمول‌های انتشار و همگانی‌سازی علم به صورت عمومی فراهم شده است. در این میان، هنوز بین سرعت رشد خلق دانش علمی و کاربست آن در کسب‌وکارها و متن جامعه تعادل دقیقی وجود ندارد. هرچند، به‌کارگیری دانش علمی در جامعه به صورت معنی‌داری به اعتقاد به دانش علمی، دستیابی به آن، تخصص و شایستگی مدیران و دست‌اندرکاران در بهره‌گیری از دانش علمی و غیره بستگی دارد. اما واقعیت این است که نبود ترجمان دانش به عنوان یک عامل بازدارنده در جریان منطقی دانش علمی از دانشگاه‌ها به جامعه عمل می‌کند. به همین دلیل نیاز است که دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی مرتبط با علم و فناوری، با هدف ارتقای اثر خود در محیط پیرامونی، ترجمان دانش علمی را به عنوان بخشی از وظایف و مسئولیت‌های خود در نظر بگیرند.

ارتقای ترجمان علمی در نظام علم و فناوری نیازمند سازوکارهای مناسب مدیریتی و اجرایی در دانشگاه‌ها و همچنین ارتقای شایستگی‌های تخصصی در میان دانشمندان و پژوهشگران است. بخشی از وظایف و مسئولیت‌ها متوجه خود دانشمندان و بخشی دیگر مربوط به مشارکت و همکاری مجامع علمی و حرفه‌ای است. هرگونه هزینه‌کرد در ترجمان دانش به عنوان سرمایه‌گذاری مطمئن در توسعه شعاع اثر دانشگاه‌ها و تضمین پشتیبانی علم و فناوری از سوی جامعه است. در عصر حاضر که آینده و سرنوشت دانشگاه‌ها به دلیل تنوع مراجع مرتبط با آموزش و دانایی با ابهام‌های جدی روبروست، توسعه ترجمان دانش و گسترش اثر دانشگاه‌ها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.